روزنه

شهیندخت مولاوردی:

انتظار مردم جدیت قوه قضائیه در برخورد با مفسدان اصلی است

● دستیار سابق رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی تصریح کرد: اقدامات و برخوردها و حرکت‌های اخیر قوه قضائیه با این هدف، بارقه‌ای از امید برای به اصطلاح «پاک‌کردن شیشه با دستمال تمیز» در افکار و افواه عمومی به وجود آورده است. شهیندخت مولاوردی، در تبیین علت پدیدآمدن فساد و ضرورت‌های مبارزه با آن اظهار کرد: فساد اقتصادی پدیده‌ای نوظهور نیست؛ امروزه مسئله‌ای جهانی است. از زمانی که اخلاقیات رنگ باخته و مادیات پررنگ‌تر شده، این پدیده جای خود را در جوامع باز کرده و هرجا زمینه را برای عرض‌اندام مساعد دیده بروز پیدا کرده است. او در ادامه به نقش تأثیرگذار افکار عمومی در مبارزه با فساد اشاره کرد و گفت: به مدد افشاگری‌ها و شفاف‌سازی‌های شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های نوین در اطلاع‌رسانی آنی و در لحظه انواع فسادهای اخلاقی و اقتصادی، مردم از تعدد و فراوانی این فسادها و نیز ارقام و اعداد غیرقابل‌باور اختلاس‌ها و ارتشاهای اعلامی که بعضا بالغ بر چندین هزار میلیارد می‌شود، انگشت‌به‌دهان مانده‌اند که تحمل آن در کنار حجم گسترده و انبوه فقر و نداری که تصاویر آن توسط همین شبکه‌های اجتماعی بازنمایی می‌شود، فوق‌العاده دردناک و غیرقابل‌پذیرش به نظر می‌رسد. او ابراز عقیده کرد: برای منِ نوعی که خاستگاه‌مان طبقه متوسط اجتماعی رو به پایین است، تصور این وضعیت محال‌ممکن است چه برسد به تصدیق آن؛ حال ببینید آن دهک‌های پایین چه تصور و چه تحملی دارند؟! مولاوردی یادآور شد: روزی نیست که فیلم و عکس برخی در حال تفریح، عیاشی، سفر و سبک زندگی لاکچری‌شان در این فضا دست‌به‌دست نشود و حاصلی جز حرمان، اندوه، سرخوردگی و حسرت برای جوانان و مردم بر جای نگذارد. مولاوردی تأکید کرد: انتظار مردم قاطعیت و جدیت قوه قضائیه در مبارزه با ریشه‌ها و برخورد با آمران و مفسدان اصلی است و نه‌فقط بگیروببند کارگزاران و عاملان خرده‌پای آنها یا بعضا مجازات بدون فوت وقت و بی‌امان دو جوان زورگیر که مبلغ اخاذی‌شان به زور به ۵ میلیون تومان می‌رسید. او ادامه داد: خواست مردم برخورد با کسانی است که انگار در یک مسابقه چاپیدن و راهزنی شرکت کرده‌اند و هرکه از بقیه بیشتر برده و خورده، برنده است و معلوم نمی‌کنند بالاخره کی سیر خواهند شد.

شریعتی به روایت بهشتی

مجاهدین، شریعتی را یک حرکت انحرافی می‌دانستند

شهید بهشتی درباره نقش دکتر شریعتی در انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۰ گفته بود که او توانست هیجان مؤثری در جذب نیروهای جوان درس‌خوانده و پرشور به‌سوی اسلام و انقلاب ایجاد کند. او در جای دیگری گفته بود پیش از انقلاب نیروهای سازمان مجاهدین باور داشتند که حرکت شریعتی در جامعه را مخالفان انقلاب ایجاد کرده‌اند تا گرایش جوانان به قیام مسلحانه کاهش یابد. به گزارش «پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی» این شخصیت برجسته تاریخ انقلاب اسلامی درباره نحوه آشنایی‌اش با دکتر شریعتی گفته بود: «نخستین آشنایی من با مرحوم دکتر شریعتی به سال ۱۳۴۹ مربوط می‌شود. در تابستان آن سال در مشهد با آقای خامنه‌ای و مرحوم دکتر شریعتی و بعضی از آقایان چند جلسه داشتیم و پیرامون مسائل و نیازها صحبت کردیم. در همان مواقع عده‌ای از افراد علاقه‌مند به تنظیم مواضع فکری اسلامی جلساتی داشتند و خلاصه کارشان را در مجموعه‌ای تنظیم کرده بودند. در آن مجالسی که داشتیم، گاهی هم پیرامون دین بحث و صحبت می‌شد؛ ولی به‌طور عمده با دکتر، پیرامون حرکت اسلامی و جنبش اسلامی و نیازهای آن در شرایطی که جنبش در آن موقع داشت و همچنین آینده جنبش گفت‌وگو می‌کردیم. به‌هرحال جلسات خوب و سودمندی بود. از آن به بعد باز جلسات گفت‌وگو و بحث داشتیم. مخصوصا زمانی که دکتر به تهران آمدند گاهی فرصت‌هایی برای تبادل‌نظر و گفت‌وگو پیش می‌آمد».

دیدگاه بهشتی درباره عقاید شریعتی

شهید بهشتی درباره عقاید شریعتی باور داشت: «مرحوم دکتر شریعتی یک قریحه سرشار و یک اندیشه پویا و جست‌وجوگر و یک اندیشه ناآرام بود؛ اندیشه‌ای که همواره در پی فهمیدن و شناختن بود. مایه‌های اصلی این اندیشه یکی معارف اسلامی بود که دکتر در خانه پدرشان و در شهر مشهد با آنها آشنا شده بود. آشنایی بیش از یک جوان معمولی و در سطحی بالاتر و مطالعاتی که در زمینه ادبیات و جامعه‌شناسی در رابطه با فرهنگ غربی و اروپایی داشت. خصوصیت دکتر این بود که هویت و اصالت خود را در این مطالعات گم نکرده و دچار ازخودبیگانگی نشده بود. پیدا بود که در طول سال‌ها مطالعه و تحصیل در زمینه جامعه‌شناسی و معارف غربی، شیفته و دلباخته مطلق فرهنگ غربی نشده بود، بلکه اصالت فرهنگ غنی اسلام همواره برای او جاذبه نیرومند داشت. همین امتیاز سبب شده بود که دکتر بتواند با حفظ خویشتن خویش و هویت خود در یک سیر و سلوک فکری و معرفتی، گام‌های بلندی به جلو بردارد و نتایج جالب و زیبا و ارزنده‌ای را به دست آورد».

او در ادامه از اهمیت نهضت امام حسین(ع) در نگاه شریعتی چنین گفت: «یک استعداد سرشار و قریحه دانا، در چنین حرکت و پویش سازنده‌ای، خودبه‌خود درباره مسائل مختلف نظر می‌دهد و چه‌بسا نظراتش در مورد یک مسئله‌ای در زمان‌های مختلف، گوناگون می‌شود. نخستین چیزی که از این بابت در ذهنم مانده مطلبی است که دکتر در کتاب یاد و یادآوران بیان این است که چگونه دکتر شریعتی در یک سال که به حج مشرف می‌شود و در مراسم حج می‌بیند عده‌ای از حجاج شیعه در عرفات و مواقف دیگر حج، به یاد امام حسین هستند، زیارت وارث می‌خوانند، زیارت عاشورا می‌خوانند، در برخورد با این جریان اول‌بار این مطلب به ذهنش می‌آید که آیا اینجا در این کنگره عمومی مسلمانان جهان، بجاست که شیعه، آن آهنگ و آرمان ویژه خودش، یعنی حسینی‌بودن را مطرح می‌کند؟ آیا بهتر نیست که در آنجا، شیعه مثل دیگر مسلمانان همان دعاها و دیگر مناسک عمومی اسلام را به‌جای آورند؟ سال بعد وقتی دوباره به حج مشرف می‌شود و همین مناظر را می‌بیند یک‌مرتبه متوجه می‌شود که عجب! حقیقت این است که مراسم پرشکوه حج، یک ظاهر و جسم است که باطن و روح آن در حسینی اندیشیدن و حسینی زیستن است. بنابراین، توجه به امام حسین، به‌هرصورت، در مواقف مختلف حج یعنی توجه به روح این مناسک و عبادت بزرگ و در پیوند همه عبادت‌ها ولایت و امامت. ذهنش متوجه این می‌شود که اگر حج، این مراسم بزرگ و باشکوه در خدمت خلافت اموی و عباسی و زمامداران طاغوتی قرار گیرد، حقی است که باطل از آن بهره‌برداری می‌کند اما اگر همین مناسک حج در راستای امامت حسین و حسینیان قرار گیرد، آن‌وقت حقی است که یک حق پرشکوه‌تر با آن همراه است؛ بنابراین به نظرش می‌آید که بسیار بجاست که در همان‌جا، در همان مواقف، دل‌ها متوجه کربلای امام حسین باشد و زیارت‌های مربوط به امام حسین خوانده شود -که در آن زیارت‌ها از شهادت و امامت حسینی یاد شود و دل‌وجان و ضمیر حج‌گزاران با روح حج، که امامت حسینی باشد، تجدید عهد کند. یعنی سال قبل به نظرش می‌رسد که این کار نابجاست، در سال بعد به نظرش می‌رسد که نه‌تنها بجاست بلکه ضرورت حفظ محتوای راستین حج است. در این رابطه است که یک سخنرانی ایراد می‌کند که به‌صورت این کتاب منتشر می‌شود؛ یعنی چگونه باید همیشه به یاد حسین و حسینیان بود».

اندیشه جست‌وجوگر شریعتی

«یک اندیشه پویا و جست‌وجوگر همیشه از این گردش‌ها و چرخش‌های ۱۸۰درجه‌ای دارد و دکتر شریعتی درباره مسائل بسیاری چنین اندیشه‌ای داشت. خودش درباره مارکس می‌گفت که وقتی می‌گویید مارکس چه گفت، بگویید مارکس در چه سالی: مارکس در زمانی که مانیفست را می‌نوشت (۱۸۴۸) یا مارکس سال ۱۸۷۰ یا بعد؛ بنابراین در ذهن و اندیشه‌اش توجه داشته که برای انسان‌های جست‌وجوگر درباره مسائل مختلف در طول زمان نظرات مختلف پیدا می‌شود. حالا او از مارکس سخن گفته، من می‌خواهم بگویم که در تاریخ فقه‌مان، فقهای برجسته‌ای داریم که آنها نیز دارای ذهن نقاد، قریحه‌ای سرشار و اندیشه‌ای پویا بوده‌اند. علامه حلی و شیخ طوسی دو فقیه معروف هستند و هر دو دارای کتاب‌های فراوان. ما می‌بینیم که درباره یک مسئله فقهی، علامه حلی در کتاب‌های مختلف، فتاوی گوناگون دارد؛ یعنی اندیشه‌اش پویاست و عجیب این است که او گاهی در یک کتاب فقهی مسئله‌ای را بر حسب نیاز در دو جا مطرح کرده؛ یک بار در آغاز کتاب و یک بار در پایان آن و تا کتاب را به آخر نرسانده، دارای یک برداشت جدید می‌شده و درباره همان مسئله در پایان کتاب، یک فتوای جدید می‌دهد. این ویژگی اندیشه‌های پویا و پرتوان است و دکتر اندیشه‌ای پویا و پرتوان داشت. آنچه می‌توانم درباره دکتر بگویم، دو نکته است؛ یکی اینکه بر حسب برخوردهایی که داشتیم و تا حدی که شنیده‌ام یا نوشته‌هایش را خوانده‌ام، دکتر همواره رو به اصالت اسلامی پیش می‌رفت؛ یعنی هرچه جلو می‌رفت، به اصالت اسلامی نزدیک‌تر می‌شد. دوم اینکه برعکس آنچه گاهی درباره او گفته می‌شد که آدمی است که حرف دیگران را نمی‌پذیرد، او حرف‌های مستند و منطقی افرادی را که صاحب‌نظر بودند، می‌شنید و گوش می‌داد و می‌پذیرفت؛ به شرط آنکه آن طرف در آن سطح و در آن حد از قدرت فکری و قدرت تحلیل باشد که بتواند مشکلی را برای او بگشاید و مطلبی را برایش باز کند».

آرای متفاوت روحانیت مبارز درباره شریعتی

شهید بهشتی درباره دیدگاه روحانیت مبارز در مورد شریعتی گفته است: «نظر روحانیون درباره دکتر چنددسته بود. یک دسته کسانی که دکتر را به‌عنوان یک تحصیل‌کرده و روشنفکر در خط دفاع از اسلام می‌دانستند و او را ارج می‌نهادند و کار او را خدمت می‌دانستند. دسته دیگر کسانی که به دلیل اشتباهات چشمگیری که در برداشت‌های اسلامی دکتر بود، در عین آنکه کار او را ارج می‌نهادند، سخت انتقاد می‌کردند؛ اما انتقادی منصفانه و سازنده. یک دسته هم کسانی بودند که چون از دور با دکتر برخورد می‌کردند، درباره او آن بینش گروه اول و دوم را نداشتند؛ به‌طوری‌که در روحانیون مبارز نیز درباره دکتر برداشت‌های گوناگون وجود داشت».

نقش شریعتی در انقلاب اسلامی

آیت‌الله بهشتی نقش شریعتی در انقلاب اسلامی را نیز این‌گونه دانسته بود: «دکتر در طول چند سال حساس، هیجان مؤثری در جو اسلامی و انقلاب اسلامی به وجود آورد و در جذب نیروهای جوان درس‌خوانده و پرشور و پراحساس به سوی اسلام اصیل نقش سازنده‌ای داشت و دل‌های زیادی را با انقلاب اسلامی همراه کرد. این انقلاب و جامعه باید قدردان این نقش مؤثر باشد». شهید بهشتی در پایان درباره دیدگاه پیش از انقلاب سازمان مجاهدین درباره شریعتی چنین گفته بود: «آن موقع‌ها جوان‌هایی که با مجاهدین ارتباط داشتند، مکرر می‌آمدند و از کار حسینیه ارشاد و افکار دکتر شریعتی انتقاد می‌کردند و می‌گفتند که این جریانی است که مخالفان انقلاب اسلامی به وجود آورده‌اند تا از گرایش جوان‌ها به انقلاب و قیام مسلحانه -که تز مجاهدین و فدائیان خلق بود- جلوگیری کنند و بکاهند؛ بنابراین از نظر اصول‌شان و بر طبق نظرات‌شان درباره کار دکتر و آن برنامه‌ها نظر مخالف داشتند. آنها دکتر را یک نوع حرکت انحرافی تلقی می‌کردند. این آن مقدار بود که جوان‌هایی از آنها که پیش ما می‌آمدند، اظهار می‌کردند».

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● با توجه به اعتراضات اخیر رانندگان در اعتراض به اخذ عوارض بزرگراه پل زال به خرم‌آباد و گران‌ترشدن آن و با توجه به اینکه اصولا ساخت‌وساز جاده‌ها و بزرگراه‌ها و راه‌های ارتباطی از بودجه دولت که در حقیقت از بودجه عمومی کل کشور و عمدتا از پول فروش نفت خام که ثروت ملی و متعلق به همه مردم و آحاد جامعه و ملت بزرگ ایران است، تأمین می‌شود و جزء طرح‌های ملی و خدمات عمرانی دولت به مردم عزیز ایران بوده و اصولا اخذ هرگونه وجهی تحت عنوان عوارض بزرگراه یا هر نوع عنوان دیگر اجحاف به حقوق حقه مردم غیور، صبور و باگذشت و کم‌توقع ایران است، باید مسئولان محترم در مورد کل آنها تجدیدنظر کنند و وزارت راه و ترابری در این مورد با حذف این عوارض با مردم همکاری و مساعدت کند.

یک مخاطب

● ضمن تشکر از مسئولان شهرداری منطقه ۲؛ خواهشمندیم به پیمانکار پله‌برقی عابر پیاده پل گیشا تذکر لازم داده شود. بسیاری از مواقع خراب است (به‌خصوص قسمت بالارونده آن!!)

یک مخاطب

بازتاب

● **پاسخ روابط عمومی شهرداری منطقه یک:** پیرو انتشار پیام مردمی در روزنامه «شرق» مورخ ۹۸/۵/۱۹ با عنوان «آیا ما در شهر تهران احتیاج به پارکینگ نداریم؟» مراتب زیر برای استحضار و انتشار در همان صفحه ایفاد می‌گردد: «زمین مجاور ایستگاه مترو قیطریه ملک خصوصی است و قاعدتا نیازمند تملک ملک مزبور از سوی شهرداری می‌باشد که به دلیل قیمت بالای زمین در آن محدوده و عدم حصول توافق تاکنون، امکان ساخت پارکینگ در جوار ایستگاه مترو مذکور فراهم نگردیده است ضمن آنکه مدیریت شهری منطقه یک از هرگونه همکاری و مشارکت در سرمایه‌گذاری برای ساخت پارکینگ عمومی استقبال می‌نماید. بدیهی است توسعه حمل‌ونقل عمومی و به‌ویژه زیرزمینی (مترو) در دستور کار شهرداری منطقه یک قرار دارد و اقدامات لازم در این خصوص در حال انجام می‌باشد».